



نقش کیفیت اطلاعات حسابداری و ریسک حسابرسی بر ارتباط میان اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام بانکها

علی قاسمی^{۱*}

امیر احسان چابک^۲

احمد نوروزادگان^۳

محسن حمیدیان^۴

چکیده

مطالعه حاضر بر پایه بررسی نقش کیفیت اطلاعات حسابداری و ریسک حسابرسی در تعدیل ارتباط میان اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام بانکها بنا نهاده شده است. در این مسیر و به منظور پاسخ گویی به سوالات طرح شده و حصول اهداف پژوهش، اطلاعات مالی ۱۱ بانک برای یک دوره دهساله از ابتدای سال ۱۳۹۲ تا پایان سال ۱۴۰۱ استخراج، متغیرهای پژوهش محاسبه و آزمونهای آماری لازم صورت گرفت. روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی- همبستگی بوده و طرح آن از نوع تجربی و با استفاده از رویکرد پس رویدادی است. یافتهها بیان داشت بین اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام، ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. بین کیفیت اطلاعات حسابداری و خطر سقوط قیمت سهام، ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. بین ریسک اطلاعات حسابرسی و خطر سقوط قیمت سهام، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، کیفیت اطلاعات حسابداری، تعدیل کننده ارتباط اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام نبوده و ریسک اطلاعات حسابرسی، تعدیل کننده ارتباط اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام نیست.

واژه‌های کلیدی: کیفیت اطلاعات حسابداری، ریسک حسابرسی، اعتماد اجتماعی، خطر سقوط قیمت سهام.

طبقه‌بندی JEL: G14, G21 و G24.

۱. گروه حسابداری، مؤسسه آموزش عالی تاکستان، قزوین، ایران (نویسنده مسئول): alighasemi.acc@gmail.com

۲. گروه حسابداری، واحد هشتگرد، دانشگاه آزاد اسلامی، هشتگرد، ایران: ae_chabok@yahoo.com

۳. گروه حسابداری، واحد هشتگرد، دانشگاه آزاد اسلامی، هشتگرد، ایران: noruzadegan1@yahoo.com

۴. گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: m_hamidian@azad.ac.ir

مقدمه

اعتماد به تمایل میان افراد به همکاری با یکدیگر اطلاق می‌شود (کائو و همکاران^۱، ۲۰۱۶) و عنصر اصلی سرمایه اجتماعی و به معنای اعتماد افراد جامعه به یکدیگر در زندگی اجتماعی است (گامبتا^۲، ۱۹۸۸). اعتماد اجتماعی نیز راست‌گویی و صداقت، تمایلات همکاری‌جویانه و اطمینان به دیگران و احترام به حقوق دیگران تعریف می‌شود و یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است که همکاری و مشارکت گروه‌های مختلف جامعه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را افزایش می‌دهد (آندریش و همکاران^۳، ۲۰۱۸) و شاخص مهمی در شکل‌گیری انضباط در روابط اقتصادی و اجتماعی است. بهبود در اعتماد اجتماعی، موجب ارتقا و بهبود روابط اجتماعی، نگرش، احترام به قانون، عملکرد اجتماعی و شغلی افراد خواهد شد (ژو و همکاران^۴، ۲۰۱۹). درحالی‌که نبود اعتماد اجتماعی اثرات نامطلوبی مانند دروغ‌گویی، چالپوسی، کلاهبرداری، رشوه، فساد و عدم شفافیت مالی را به همراه خواهد داشت (خسروآبادی و بنی‌مهد، ۱۳۹۴). اعتقاد بر این است که هنجارهای اجتماعی تأثیر شگرفی بر رفتار افراد دارند. اعتماد اجتماعی، به‌عنوان یکی از هنجارهای اجتماعی، علاوه‌بر شکل‌دهی به نهادهای غیررسمی، موجب تغییر رفتار مدیران ارشد شرکت‌ها نیز می‌شود. با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه اعتماد اجتماعی و رفتار سازمانی (نظیر پژوهش وو و همکاران^۵، ۲۰۱۴) مدیران شرکت‌هایی که سطح اعتماد اجتماعی بالایی دارند، به‌دلیل وجود هنجارهای اخلاقی حاکم بر محیط این شرکت‌ها، رفتارهای صادقانه‌تری از خود نشان می‌دهند و از این‌رو به افشای به‌موقع اطلاعات مالی تمایل بیشتری دارند (گایسوئت و همکاران^۶، ۲۰۱۴). اعتماد اجتماعی یکی از مؤلفه‌های اقتصادی-اجتماعی اثرگذار بر رفتارهای فردی و سازمانی در جامعه به‌شمار می‌رود؛ به‌طوری‌که مدیران ارشد شرکت‌ها و بانک‌هایی با سطح اعتماد اجتماعی بالا، رفتارهای صادقانه‌تری از خود نشان داده و تمایل کمتری به پنهان کردن اخبار بد دارند که بروز چنین رفتاری، کاهش ریسک سقوط قیمت سهام شرکت را در پی خواهد داشت (رضائی‌پینه‌نوئی و همکاران، ۱۳۹۶). بروز چنین رفتارهایی از سوی مدیران، موجب افشای به‌موقع اخبار خوب و بد به بازار شده و احتمال پنهان کردن اخبار بد در این شرکت‌ها را کاهش می‌دهد (ژانگ

1. Cao et al
2. Gambetta
3. Andrish et al
4. Zhu et al
5. Wu et al
6. Guiso et

و همکاران^۱، ۲۰۲۱). بدین ترتیب، انتظار می‌رود که ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌های دارای سطح اعتماد اجتماعی بالاتر، به مراتب کمتر از سایر شرکت‌ها باشد. بر پایه این استدلال، کائو و همکارانش (۲۰۱۶) شواهدی مبنی بر وجود رابطه منفی بین اعتماد اجتماعی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها ارائه کردند. به‌طور مشابه، لی و همکارانش^۲ (۲۰۱۷) نیز دریافتند که اعتماد اجتماعی، سبب کاهش ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها می‌شود. از منظر هاتن و همکاران^۳ (۲۰۰۹)، در شرایط نبود شفافیت کامل در گزارشگری مالی، مدیران انگیزه دارند برای حفظ شغل خود، بخشی از زیان‌ها را پنهان کنند. این فرآیند، یعنی افشا نکردن زیان‌های واقعی تا زمان حضور مدیر در شرکت ادامه می‌یابد. پس از ترک شرکت توسط مدیر، حجم عظیمی از زیان‌های افشا نشده وارد بازار شده و به سقوط قیمت سهام منجر می‌شود. علاوه بر این، در یک محیط گزارشگری غیرشفاف، سرمایه‌گذاران قادر به شناسایی و کشف پروژه‌های زیان‌ده شرکت نیستند. ناتوانی سرمایه‌گذاران در تمایز بین پروژه‌های سودده و زیان‌ده در مراحل اولیه آن‌ها باعث می‌شود که پروژه‌های زیان‌ده ادامه یابد و با گذر زمان زیان‌دهی آن‌ها افزایش یابد. بازده منفی این نوع پروژه‌ها در طول زمان در داخل شرکت انباشت می‌شود و هنگامی که اطلاعات مربوط به آن‌ها افشا می‌شود، قیمت سهام به شدت کاهش پیدا خواهد کرد. میزان اطلاعات منفی که مدیران می‌توانند انباشت و پنهان کنند، در شرکت‌های مختلف متفاوت است. علاوه بر این، توانایی‌ها و فرصت‌های مدیران برای انباشت و افشا نکردن اخبار منفی، به هزینه‌ها و منافع آن بستگی دارد. برای مثال، در شرایطی که هیچ‌گونه عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران وجود ندارد، مدیران انگیزه‌ای برای افشای نامتقارن اطلاعات ندارند؛ چرا که در چنین شرایطی هزینه‌های نگهداری و افشا نکردن اخبار منفی بیش از منافع آن خواهد بود. اما در شرایطی که عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران بالاست، هزینه‌های افشا نکردن اخبار منفی و انباشت آن‌ها در داخل شرکت، کمتر از منافع آن خواهد بود و بنابراین، مدیران انگیزه پیدا می‌کنند تا اخبار منفی را داخل شرکت انباشت کرده و آن‌ها را افشا نکنند (هاتن و همکاران، ۲۰۰۹). بسیاری از پژوهشگران نظیر چن و همکاران^۴ (۲۰۱۳) بر این باورند که تغییرات قیمت سهام یک شرکت از مدیریت اطلاعات داخلی آن ناشی می‌شود. در شرایطی که اطلاعات به صورت تصادفی وارد بازار می‌شود و فرایند انتشار اطلاعات بدون توجه به خوب یا بد بودن آن به صورت سیستماتیک انجام

1. Zhang et al
2. Lee et al
3. Hutten et al
4. Chen et al

می‌گیرد، می‌توان گفت که اطلاعات منتشر شده دارای توزیع متقارن است. چنانچه مدیران بتوانند برای مدت زمان طولانی از افشای اخبار بد خودداری کنند، اخبار منفی در داخل شرکت انباشته می‌شود. از سوی دیگر حجم اخبار بدی که مدیران می‌توانند انباشته کنند، محدود است. علت این موضوع آن است که وقتی که حجم اخبار منفی انباشته به آستانه معینی می‌رسد، نگهداری و عدم افشای آن برای مدت زمان طولانی‌تر غیر ممکن و پر هزینه خواهد شد. در نتیجه توده اخبار نامطلوب پس از رسیدن به نقطه اوج خود به یکباره وارد بازار شده و این موضوع به افت شدید بازده سهام یا سقوط قیمت سهام منجر می‌شود (چن و همکاران، ۲۰۱۳). در ادامه و براساس مبانی نظری طرح شده، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تبیین می‌گردند:

فرضیه اول: بین اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام ارتباط معناداری وجود دارد.
فرضیه دوم: بین کیفیت اطلاعات حسابداری و خطر سقوط قیمت سهام ارتباط معناداری وجود دارد.
فرضیه سوم: بین ریسک اطلاعات حسابداری و خطر سقوط قیمت سهام ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: کیفیت اطلاعات حسابداری تعدیل‌کننده ارتباط اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام است.
فرضیه پنجم: ریسک اطلاعات حسابداری تعدیل‌کننده ارتباط اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام است.

پیشینه پژوهش‌های انجام شده

پیشینه پژوهش‌های خارجی

ژانگ و همکاران (۲۰۲۱) ریسک عملیاتی بانک‌ها و ریسک حاکمیتی را بررسی کردند. نتیجه پژوهش آنان نشان داد که مالکیت دولت نقش اساسی در تغییر ریسک در کاهش اثر حاکمیت ریسک بر ریسک‌پذیری بانک دارد. هارپر و همکاران^۱ (۲۰۲۰) به بررسی نقش اهرم مالی در تعدیل ارتباط میان ریسک سقوط قیمت سهام، اعتماد اجتماعی و توانایی مدیران پرداختند. آنان دریافتند که یک رابطه منفی و معناداری میان ریسک سقوط قیمت سهام و توانایی مدیران وجود دارد و اهرم مالی تقویت‌کننده رابطه میان ریسک سقوط قیمت سهام و توانایی مدیران است. کیم و همکاران^۲ (۲۰۱۶) به بررسی سود

1. Harper et al

2. Kim et al

سهام پرداختنی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام پرداختند. آنان دریافتند که با افزایش سود سهام پرداختنی، ریسک سقوط آتی قیمت سهام کاهش می‌یابد و این تأثیر، با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی و بروز بحران‌های مالی، کاهش می‌یابد. کالن و فانگ^۱ (۲۰۱۵) به بررسی رابطه میان نرخ بهره کوتاه‌مدت و ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش مذکور نشان می‌دهد که بین نرخ بهره کوتاه‌مدت و ریسک سقوط قیمت سهام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. کیم و لی^۲ (۲۰۱۴) به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. آنان دریافتند که با افزایش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، ریسک سقوط قیمت سهام آنان کاهش می‌یابد. وی و ژانگ^۳ (۲۰۱۰) در تحقیقی به بررسی رابطه بین فرار از مالیات و پدیده ریزش قیمت سهام پرداختند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که فرار از مالیات فرصت‌هایی را برای مدیران در مورد انجام فعالیت‌هایی که برای پنهان ساختن اخبار بد و در نهایت گمراه ساختن سرمایه‌گذاران طراحی شده است ایجاد می‌نماید که این مسأله در نهایت می‌تواند به پدیده ریزش قیمت سهام منجر گردد. ژانگ^۴ (۲۰۱۰) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری و ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. نتایج بررسی‌های آن‌ها نشان داد که محافظه‌کاری، انگیزه‌های مدیران را برای بیش‌نمایی عملکرد و افشا نکردن اخبار بد محدود کرده و از این‌رو ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش می‌دهد. هاتن و همکاران (۲۰۰۹) طی مطالعه‌ای، به بررسی رابطه بین عدم شفافیت گزارشگری مالی و ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند شرکت‌هایی که دارای صورت‌های مالی غیر شفاف هستند، بیشتر در معرض ریسک سقوط قیمت سهام قرار دارند.

پیشینه پژوهش‌های داخلی

درخصوص تحقیقات مشابه صورت گرفته می‌توان بیان داشت پژوهی و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی تأثیر ریسک بر قیمت سهام بانک‌ها و شرکت‌های بیمه با توجه به نقش سازوکارهای راهبری شرکتی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که در بانک‌ها، ریسک بازار بر قیمت سهام تأثیر مثبت و معنادار و متغیرهای ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی بر قیمت سهام صنعت بانکداری تأثیر منفی و معنادار دارند. در شرکت‌های بیمه، ریسک بازار و ریسک نقدینگی بر قیمت سهام تأثیر مثبت و معنادار و ریسک اعتباری بر قیمت سهام این صنعت تأثیر منفی و معنادار دارد. همچنین، یافته‌ها درخصوص ریسک

1. Callen & Fung
2. Kim & Lee
3. We & Zhang
4. Zhang

نشان داد که در ریسک اعتباری بانک‌ها، متغیرهای مالکیت نهادی، کمیته مستقل و کمیته حسابرسی بر قیمت سهام بانک تأثیر منفی و معنادار دارند. مختاری (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر استراتژی اعتبار تجاری شرکت و بیش‌ارزشیابی حقوق صاحبان سهام بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. یافته‌ها بیان داشت استراتژی تجاری شرکت بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری دارد و بیش‌ارزشیابی حقوق صاحبان سهام بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری ندارد. جعفری‌پور (۱۳۹۷) به بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه‌ها بیانگر این بود که بین اعتماد اجتماعی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی‌داری وجود دارد. رضائی پیته‌نویی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی ارتباط اعتماد اجتماعی، نظارت خارجی و ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که اعتماد اجتماعی، ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها را کاهش می‌دهد. علاوه بر این مطابق با پیش‌بینی نظریه جابگزینی، نتایج نشان داد نظارت خارجی رابطه منفی بین اعتماد اجتماعی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها را تضعیف می‌کند. زنجیری (۱۳۹۶) به بررسی ارتباط سود سهام پرداختنی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که سود سهام پرداختنی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام، تأثیر منفی و معناداری دارد. اما از نظر آماری تأثیر بحران مالی و عدم تقارن اطلاعاتی در تعدیل تأثیر سود سهام پرداختنی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام معنادار نبود. فخاری (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی معیارهای سنجش اجتناب مالیاتی و رابطه آن با ریسک سقوط آتی قیمت سهام پرداخت. نتایج این پژوهش حکایت از آن دارد که نرخ مؤثر مالیاتی نقدی معیار مناسبی برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی نمی‌باشد؛ چرا که این نرخ دو اثر متمایز اجتناب مالیاتی و مدیریت سود افزایشی را به صورت همزمان منعکس می‌نماید. رضوی عراقی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر ضعف‌های عمده کنترل‌های داخلی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام پرداخت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که عواملی چون عملیات جذب (ادغام) یا تحصیل و همچنین تجدید سازمان بر ضعف‌های عمده کنترل‌های داخلی تأثیر مثبت و معنادار و همچنین تجدید سازمان تأثیر مثبت و معناداری بر احتمال وقوع سقوط آتی قیمت سهام دارد و در نهایت ضعف‌های عمده کنترل‌های داخلی بر احتمال وقوع سقوط آتی قیمت سهام تأثیر مثبت و معناداری دارد. گراوند نیا (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت در دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه تهران پرداخت.

نتایج نشان داد که بین اعتماد اجتماعی و امنیت اجتماعی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه تهران رابطه معنادار وجود دارد. احمدی قارنایی (۱۳۹۳) به بررسی میزان اعتماد اجتماعی در روابط شخصی و عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با آن، مورد مطالعه ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر یاسوج پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که بین متغیرهای میزان معاشرت و تعامل اجتماعی، گرایش‌های دیگرخواهانه و سن از یک سو، و اعتماد اجتماعی در روابط شخصی، از سوی دیگر، رابطه‌ی معناداری، و همچنین بین میزان اعتماد اجتماعی در روابط شخصی با توجه به جنسیت پاسخگویان و سطح تحصیلات پاسخگویان، تفاوت معناداری وجود دارد. برعکس، نتایج پژوهش نشان داد که بین متغیرهای میزان تقید به باورهای دینی، قانون‌گریزی، دسترسی به خدمات و امکانات رفاهی و درآمد ماهیانه خانوار از یک سو، و اعتماد اجتماعی در روابط شخصی از سوی دیگر، رابطه‌ی معناداری، و همچنین بین میزان اعتماد اجتماعی در روابط شخصی با توجه به وضعیت تأهل پاسخگویان، تفاوت معناداری وجود ندارد. نتیجه‌ی نهایی نشانگر آن است که میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان در روابط شخصی پایین‌تر از حد متوسط بوده به گونه‌ای که میانگین نمره بدست آمده از پاسخگویان در خصوص میزان اعتماد اجتماعی آنان در روابط شخصی برابر با ۲۵/۴۶ درصد است.

با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی با عنوان نقش کیفیت اطلاعات حسابداری و ریسک حسابداری بر ارتباط میان اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام بانک‌ها توسط سایر پژوهشگران صورت نگرفته و همچنین بررسی همزمان ارتباط بین اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام، ارتباط بین کیفیت اطلاعات حسابداری و خطر سقوط قیمت سهام، تحلیل نقش کیفیت اطلاعات حسابداری بر ارتباط اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام و تحلیل نقش ریسک اطلاعات حسابداری بر ارتباط اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام مغفول مانده، می‌توان پژوهش فعلی را از منظر فاکتورهای یاد شده دارای جنبه نوآوری دانست.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و روش، توصیفی و از نظر هدف، پژوهشی کاربردی بوده و از آنجاکه در پژوهش حاضر، وضعیت موجود متغیرها با استفاده از جمع‌آوری اطلاعات، از طریق اطلاعات گذشته مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است، در ردیف مطالعات توصیفی - همبستگی گنجانده می‌شود. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، عبارت از کلیه سایت‌های سازمان بورس اوراق بهادار تهران و بانک‌های اطلاعاتی مرتبط می‌باشد. بدین صورت که پس از استخراج داده‌های لازم پیرامون متغیرهای

پژوهش از بانک‌های اطلاعاتی مرتبط، با انجام آزمون‌های مختلف از طریق نرم‌افزارهای آماری مورد نیاز، نتایج بدست آمده به کل جامعه تعمیم داده خواهد شد. در مسیر آزمون فرضیه‌های تدوین شده، عمده روش‌ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها عبارتند از انجام آمار توصیفی (جهت بررسی و نمایش وضعیت عمومی متغیرها براساس شاخص‌های پراکندگی)، آزمون جارک-برا (بررسی نرمال بودن جملات خطای مدل آزمون فرضیه‌ها)، آزمون نبود همخطی (بررسی نبود همخطی میان متغیرهای پژوهش براساس شاخص‌های تلرانس و عامل تورم واریانس)، آزمون نبود واریانس ناهمسانی (برای بررسی همسانی واریانس‌ها با استفاده از آزمون وایت) و انجام رگرسیون لجستیک. پس از تشریح روش‌شناسی پژوهش به طرح مدل رگرسیونی و متغیرهای پژوهش پرداخته شده است.

مدل رگرسیونی فرضیه‌های اول تا سوم:

$$H1-2-3: CRASH_{it} = \beta_0 + \beta_1 TRUST_{it} + \beta_2 ACCIQ + \beta_3 AUDIR + \beta_4 \sum CONTRLOS_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۱}$$

مدل رگرسیونی فرضیه‌های چهارم و پنجم:

$$H4-5: CRASH_{it} = \beta_0 + \beta_1 TRUST_{it} + \beta_2 ACCIQ + \beta_3 AUDIR + \beta_4 TRUST * ACCIQ + \beta_5 TRUST * AUDIR + \beta_6 \sum CONTRLOS_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۲}$$

تعاریف عملیاتی متغیرهای پژوهش، به اختصار در جدول ۱ تبیین شده است.

جدول ۱. تعاریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نوع	علامت	نحوه سنجش
خطر سقوط قیمت سهام	وابسته	CRASH	توضیحات در ذیل جدول ۱ آمده است*
اعتماد اجتماعی	مستقل	TRUST	محاسبه بر اساس مندرجات جدول ۲***
کیفیت اطلاعات حسابداری	تعدیلگر	ACCIQ	توضیحات در ذیل جدول ۱ آمده است**
ریسک اطلاعات حسابداری	تعدیلگر	AUDIR	مجموع اشتباهات کشف نشده - ۱ مجموع اشتباهات موجود در حسابها
جریان‌های نقدی	کنترلی	CFO	نسبت جریان‌های حاصل از فعالیت‌های عملیاتی کل دارایی‌ها
اندازه شرکت	کنترلی	SIZE	لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت در پایان سال.
اهرم مالی	کنترلی	LEV	کل بدهی‌ها کل دارایی‌ها
سودآوری	کنترلی	PROF	تعداد سهام* ارزش بازار هر سهم حقوق صاحبان سهام عادی

*متغیر وابسته این پژوهش، ریسک سقوط آتی قیمت سهام می‌باشد. جهت سنجش متغیر مذکور، از مدل هاتن و همکاران (۲۰۰۹) استفاده شده است. براساس مطالعه مذکور، دوره سقوط در یک سال مالی معین، دوره‌ای است که طی آن، بازده ماهانه خاص یک شرکت، $\frac{3}{2}$ انحراف معیار کمتر از میانگین بازده ماهانه خاص آن باشد. اساس این تعریف بر این مفهوم آماری استوار است که با فرض نرمال بودن توزیع آماری بازده ماهانه خاص یک شرکت، نوسان‌هایی که در فاصله میانگین به علاوه $\frac{3}{2}$ انحراف معیار و میانگین منهای $\frac{3}{2}$ انحراف معیار قرار می‌گیرند، از جمله نوسان‌های عادی محسوب و سایر نوسان‌ها، از موارد غیرعادی به حساب می‌آیند. با توجه به اینکه سقوط قیمت آتی سهام، یک نوسان غیرعادی است، عدد $\frac{3}{2}$ به عنوان مرز بین نوسان‌های عادی و غیرعادی مطرح می‌گردد. لذا در پژوهش حاضر، ریسک سقوط آتی قیمت سهام، به صورت متغیر مجازی تعریف می‌گردد؛ بدین صورت که اگر شرکت تا پایان سال مالی، حداقل یک دوره سقوط را تجربه کرده باشد، امتیاز یک و در غیر این صورت، امتیاز صفر برای شرکت در نظر گرفته خواهد شد. بازده ماهانه سهام را می‌توان از رابطه ۳ محاسبه نمود:

$$W_{in} = Ln(1 + e_{in}) \quad \text{رابطه ۳}$$

که در رابطه مذکور W_{in} : بازده ماهانه خاص شرکت i در ماه t طی سال مالی و e_{in} : بازده باقی مانده سهام شرکت i در ماه t بوده و عبارت از پسماند مدل رگرسیونی رابطه ۴ می باشد:

$$r_{it} = b_0 + b_{1i} * rm_{t-2} + b_{2i} * rm_{t-1} + b_{3i} * rm_t + b_{4i} * rm_{t+1} + b_{5i} * rm_{t+2} + e_{it} \quad \text{رابطه ۴}$$

که در رابطه فوق r_{it} : بازده باقی مانده سهام شرکت i در ماه t سال مالی و T_{int} : بازده بازار در ماه t می باشد که جهت سنجش آن، شاخص ابتدای ماه از شاخص پایان ماه کسر شده و حاصل بر شاخص ابتدای ماه تقسیم می گردد. بازده ماهانه خاص شرکت، به منظور اندازه گیری ریسک سقوط آتی قیمت سهام، مبنای عمل خواهد بود.

* در پژوهش حاضر، برای اندازه گیری کیفیت اطلاعات حسابداری، طبق رابطه (۳) از مدل دیچف و دیچو (۲۰۰۲) و فرانیس و همکاران (۲۰۰۵) استفاده می شود. بر اساس این رویکرد، کیفیت اطلاعات حسابداری در وهله نخست توسط کیفیت اقلام تعهدی تعیین می شود؛ زیرا سود حسابداری را می توان به عنوان جمع جریان های نقدی عملیاتی و اقلام تعهدی بازنمایی کرد. چنین تصویری وجود دارد که اقلام تعهدی حسابداری، جریان های نقدی عملیاتی آتی را پیش بینی می کنند و جریان های نقدی جاری و یا بازگشت جریان های نقدی گذشته را منعکس می نمایند. خطای اندازه گیری در تعیین اقلام تعهدی می تواند توانایی اقلام تعهدی را برای پیش بینی جریان های نقدی آتی یا انعکاس جریان های نقدی گذشته و حال بصورت بالقوه تحریف نماید.

$$TCA_{i,t} = b_0 + b_1 CF_{i,t-1} + b_2 CF_{i,t} + b_3 CF_{i,t+1} + b_4 DREV_{i,t} + b_5 PPE_{i,t} + e_0 \quad \text{رابطه ۵}$$

که در رابطه فوق TCA_{it} : جمع اقلام تعهدی جاری شرکت i در سال t ، CF_{it-1} : جریان های نقدی شرکت i در سال $t-1$ ، CF_{it} : جریان های نقدی شرکت i در سال t ، CF_{it+1} : جریان های نقدی شرکت i در سال $t+1$ ، $\Delta REV_{it,t+1}$: تغییر در درآمد فروش شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$ ، $PPE_{it,t-1}$: ارزش ناخالص (بهای تمام شده) اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت i در سال t می باشد. جمع اقلام تعهدی جاری (TCA) از رابطه ۶ بدست می آید.

$$TCA_{i,t} = DCA_{i,t} - DCL_{i,t} - DCASH_{i,t} + DSTDEBT_{i,t} \quad \text{رابطه ۶}$$

که در رابطه فوق ΔCA_{it} : تغییر در دارایی‌های جاری شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$ ، ΔCL_{it} : تغییر در بدهی‌های جاری شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$ ، $\Delta CASH_{it}$: تغییر در موجودی نقد شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$ و $\Delta DSTDEBT_{it}$: تغییر در تسهیلات مالی دریافتی کوتاه‌مدت شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$ می‌باشد. جریان‌های نقدی شرکت i در سال t ($CF_{i,t}$) نیز از رابطه ۷ به دست می‌آید.

$$CF_{i,t} = NIBE_{i,t} - TCA_{i,t} + DEPN_{i,t} \quad \text{رابطه ۷}$$

که در رابطه فوق $NIBE_{it}$: سود خالص قبل از ارقام غیرمترقبه شرکت i در سال t ، TCA_{it} : جمع ارقام تعهدی جاری شرکت i در سال t و $DEPN_{it}$: هزینه‌های استهلاک شرکت i در سال t می‌باشد. براساس رابطه ۷، اگر کیفیت ارقام تعهدی بالا باشد، آنگاه ارقام تعهدی می‌تواند عمده تغییر در جریان‌های نقدی جاری، گذشته و آینده را منعکس نماید و در نتیجه باقیمانده خاص شرکت (E_{it}) در رابطه ۷ مبنای کیفیت اطلاعات حسابداری مورد استفاده در این پژوهش را شکل می‌دهد. به صورت مشخص، شاخص کیفیت اطلاعات حسابداری به عنوان معکوس مربع باقیمانده‌های شرکت i تعریف می‌شود. هر قدر مربع باقیمانده‌ها بالاتر باشد، به نشانه ارقام تعهدی ضعیف‌تر و کیفیت اطلاعات حسابداری بالاتر تعبیر می‌شود (قاسمی و نامدار، ۱۳۹۴). پس می‌توان شاخص کیفیت اطلاعات حسابداری را در پژوهش به صورت زیر تعریف نمود:

$$ACCIQ = \frac{1}{e^2} \quad \text{رابطه ۸}$$

***متغیر مستقل در این پژوهش، اعتماد اجتماعی بوده که از چهار بعد مورد بررسی واقع می‌گردد. متغیرهای مربوطه، بصورت مجازی تعریف می‌گردند. بدین صورت که در صورت احراز، امتیاز یک و در غیر این صورت، امتیاز صفر، مبنای محاسبات خواهد بود.

جدول ۲: چک لیست سنجش اعتماد اجتماعی شرکت‌ها

برنامه اهدا وجه نقد	اطلاعات مربوط به مشارکت اجتماعی	سلامت محیط کارکنان	اطلاعات مربوط به روابط کارکنان
برنامه خیریه		آموزش کارکنان	
برنامه بورس تحصیلی		مزایای کارکنان	
حامیان مالی برای فعالیت ورزشی		مشخصات کارکنان	
حامیان غرور ملی		مالکیت سهم کارکنان	
پروژه های عمومی		ایمنی و بهداشت کارکنان	
کنترل آلودگی هوا	اطلاعات مربوط به محیط زیست	ایمنی محصول	اطلاعات مربوط به تولید
برنامه پیشگیری و جبران خسارت		کیفیت محصول (ایزو ۹۰۰۰)	
حفاظت و استفاده از محصولات ناشی از بازیافت		توسعه محصول	
جایزه در زمینه محیط زیست		خدمات پس از فروش	
اشاره به تأثیرات محیط زیست		اشاره به تنوع محصولات	
اشاره به برنامه های انگیزشی کارکنان		اشاره به ایمنی محصول (نرم افزار)	

براین اساس، در صورت احراز تمامی اطلاعات هر شرکت از نظر افشای اطلاعات اعتماد اجتماعی

امتیازی بین $\frac{1}{24}$ تا $\frac{24}{24}$ در هر سال خواهد داشت.

جامعه آماری در این پژوهش، بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ابتدای سال ۱۳۹۲ تا پایان سال ۱۴۰۱ به مدت ده سال بوده است. در ادامه و برای حصول به نمونه آماری مطلوب از روش حذف سیستماتیک (غربالگری) استفاده شده است. لذا، جامعه آماری با استفاده از شرایط و محدودیت‌های زیر تعدیل شده است. از این رو بانک‌های نمونه می‌بایست:

- عضویت ده ساله عضویت خود را در بورس اوراق بهادار حفظ کرده باشند؛
- دارای سال مالی منتهی به پایان ۲۹ اسفند باشند؛
- دارای داده‌های کافی برای سنجش متغیرها باشند؛
- تغییر سال مالی نداده باشند.

بر اساس نمونه‌گیری فوق تعداد ۱۱ بانک بعنوان نمونه آماری انتخاب گردید.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در دوره مورد بررسی

متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
خطر سقوط قیمت سهام	CRASH	۰/۳۸۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۸۴۶
اعتماد اجتماعی	TRUST	۰/۳۹۱	۰/۳۳۳	۰/۵۸۳	۰/۱۶۶	۲/۱۹۷
کیفیت اطلاعات حسابداری	ACCIQ	۱/۱۵۱	۲/۰۰۵	۳/۴۵۲	-۱/۱۲۱	۱/۱۴۱
ریسک اطلاعات حسابداری	AUDIR	۰/۲۲۵	۰/۳۳۱	۰/۴۵۱	۰/۱۱۲	۲/۲۱۵
جریان‌های نقدی	CFO	۰/۵۴۱	۰/۶۰۱	۰/۹۲۴	-۰/۱۰۸	۱/۰۹۷
اندازه بانک	SIZE	۱۵/۱۵۵	۱۵/۷۱۴	۲۲/۲۲۵	۱۲/۱۵۱	۲/۷۶۹
اهرم مالی	LEV	۰/۶۸۵	۰/۶۶۹	۰/۹۰۵	۰/۴۰۱	۲/۱۸۲
سودآوری	PROF	۱/۹۸۵	۱/۸۷۵	۲/۰۰۷	۱/۱۲۱	۱/۶۰۹

بررسی نرمال بودن پسماند مدل رگرسیونی فرضیه‌های پژوهش

برای بررسی نرمال بودن توزیع آماری جملات خطای فرضیه‌های پژوهش از آزمون جارک-برا در محیط نرم‌افزاری Eviews استفاده شده است که نتایج آزمون مذکور در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج بررسی نرمال بودن توزیع آماری جملات خطای فرضیه‌های پژوهش

نام متغیر	آماره جارک برا	احتمال آماره جارک برا	کشیدگی	چولگی
پسماند مدل رگرسیونی فرضیه اول تا سوم	۸۱/۲۵۱	۰/۰۸۵	۳/۵۱۵	۲/۴۱۵
پسماند مدل رگرسیونی فرضیه چهارم و پنجم	۲۲/۸۵۸	۰/۰۹۹	۲/۴۵۸	۲/۰۹۳

به لحاظ آنکه چولگی و کشیدگی در بازه بهینه ۳ و ۳- قرار داشته و احتمال آماره جارک-برا برای توزیع آماری متغیرهای مذکور، بیشتر از سطح خطای ۵٪ است، نرمال بودن توزیع آماری پسماند مدل رگرسیونی فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌گردد.

بررسی پایایی متغیرهای پژوهش

به منظور بررسی پایایی متغیرهای پژوهش، از آزمون ریشه واحد ایم، پسران و شین استفاده شده و نتایج آزمون مذکور در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵: نتایج بررسی پایایی متغیرهای پژوهش

آزمون ریشه واحد ایم، پسران و شین		نوع	نماد	نام متغیر
احتمال آماره	آماره			
۰/۰۰۰۰	-۱۱/۲۵۱	وابسته	CRASH	خطر سقوط قیمت سهام
۰/۰۰۰۰	-۸۵/۵۵۴	مستقل	TRUST	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰۰	-۳۲/۳۲۵	تعدیلگر	ACCIQ	کیفیت اطلاعات حسابداری
۰/۰۰۰۰	-۱۰/۵۰۶		AUDIR	ریسک اطلاعات حسابداری
۰/۰۰۰۰	-۳۰/۳۳۵		TRUST*ACCIQ	تعامل اعتماد اجتماعی و کیفیت اطلاعات حسابداری
۰/۰۰۰۰	-۱۸/۶۴۵		TRUST*AUDIR	تعامل اعتماد اجتماعی و ریسک اطلاعات حسابداری
۰/۰۰۰۰	-۵۱/۷۶۸	کنترلی	CFO	جریان‌های نقدی
۰/۰۰۰۰	-۱۴/۲۸۷		SIZE	اندازه بانک
۰/۰۰۰۰	-۸۲/۳۵۶		LEV	اهرم مالی
۰/۰۰۰۰	-۹۰/۱۱۲		PROF	سودآوری

بر اساس نتایج بدست آمده متغیرهای پژوهش در دوره بررسی، پایا بوده‌اند. زیرا احتمال آماره آزمون ایم، پسران و شین در تمامی متغیرها، کمتر از سطح خطای ۵٪ بوده است.

آزمون وایت

نتیجه آزمون مذکور در جدول ۶ به نمایش گذاشته شده است.

جدول ۶: نتایج بررسی آزمون وایت

نام آزمون	فرضیه	آماره آزمون	درجه آزادی	احتمال آماره آزمون
وایت	اول تا سوم	۸۸/۵۸۵	(۴,۴۵۵)	۰/۰۹۵۱
	چهارم و پنجم	۸۲/۵۸۵	(۱۹۰,۲۱۳)	۰/۰۷۸۵

براساس مندرجات جدول فوق احتمال آماره وایت بالاتر از سطح خطای ۵٪ بوده و براین اساس، فرض وجود ناهمسانی واریانس رد می‌گردد.

آزمون فرضیه‌های اول تا سوم پژوهش

مدل رگرسیونی لجستیک فرضیه‌های مذکور در جدول ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷: نتایج برازش مدل رگرسیونی لجستیک فرضیه‌های اول تا سوم پژوهش

CRASH _{it} =β ₀ +β ₁ TRUST _{it} +β ₂ ACCIQ+β ₃ AUDIR+β ₄ ΣCONTRLOS _{it} +ε _{it}					
متغیر	نماد	ضریب رگرسیونی	آماره Z	احتمال آماره Z	عامل تورم واریانس VIF
مقدار ثابت	C	۳/۳۵۱	۱/۳۰۵	-۰/۰۶۳۴	----
اعتماد اجتماعی	TRUST	-۲/۱۵۴	-۶/۱۵۴	-۰/۰۰۰۰	۲/۵۴۵
کیفیت اطلاعات حسابداری	ACCIQ	-۴/۱۱۴	-۷/۳۰۲	-۰/۰۰۰۰	۲/۱۰۱
ریسک اطلاعات حسابداری	AUDIR	۶/۶۶۵	۷/۵۵۱	-۰/۰۰۰۰	۲/۱۰۵
جریان‌های نقدی	CFO	-۶/۱۰۱	-۳/۴۱۳	-۰/۰۰۰۷	۲/۲۱۵
اندازه بانک	SIZE	-۷/۲۱۳	-۱/۱۱۱	-۰/۲۴۵۱	۲/۲۷۳
اهرم مالی	LEV	-۴/۵۸۴	-۷/۹۳۴	-۰/۰۰۰۰	۲/۲۱۷
سودآوری	PROF	-۵/۷۰۴	-۳/۴۴۴	-۰/۰۰۲۱	۲/۲۵۵
ضریب تعیین مک فادن	LR آماره	LR آماره	احتمال آماره LR		
۰/۸۵۱	۱۰/۲۵۱		-۰/۰۰۰۰		

مندرجات جدول شماره فوق نشان می‌دهد که بین اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. زیرا علامت ضریب رگرسیونی آن منفی (-۲/۱۵۴) و احتمال آماره Z مربوط به آن (۰/۰۰۰۰) کمتر از سطح خطای ۵٪ است. لذا فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌گردد. همچنین، بین کیفیت اطلاعات حسابداری و خطر سقوط قیمت سهام ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. زیرا علامت ضریب رگرسیونی آن منفی (-۴/۱۱۴) و احتمال آماره Z مربوط به آن (۰/۰۰۰۰) کمتر از سطح خطای ۵٪ است. لذا فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌گردد. در نهایت احراز شد که بین ریسک اطلاعات حسابداری و خطر سقوط قیمت سهام ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ زیرا علامت ضریب رگرسیونی آن مثبت (۶/۶۶۵) و احتمال آماره Z مربوط

به آن (۰/۰۰۰۰) کمتر از سطح خطای ۵٪ است. لذا فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌گردد. براساس مقدار ضریب تعیین مک فادن، حدود ۸۵٪ تغییرات متغیر وابسته ضمن توجه به تأثیر سایر متغیرها، توسط تغییرات متغیر مستقل توضیح داده می‌شود. به منظور بررسی معنادار بودن مدل از آزمون LR استفاده شده است که چون مقدار احتمال آماره آزمون مذکور (۰/۰۰۰۰)، کمتر از سطح خطای ۵٪ است، معنادار بودن مدل رگرسیونی برازش شده تأیید می‌گردد.

آزمون فرضیه‌های چهارم و پنجم پژوهش

مدل رگرسیونی لجستیک فرضیه‌های مذکور پژوهش در جدول ۸ نشان داده شده است.

جدول ۸: نتایج برازش مدل لجستیک فرضیه‌های چهارم و پنجم پژوهش

$CRASH_{it} = \beta_0 + \beta_1 TRUST_{it} + \beta_2 ACCIQ + \beta_3 AUDIR + \beta_4 TRUST * ACCIQ + \beta_5 TRUST * AUDIR + \beta_6 \sum CONTRLOS_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیر	نماد	ضریب رگرسیونی	آماره Z	احتمال آماره Z	عامل تورم واریانس VIF
مقدار ثابت	C	۵/۵۷۴	۱/۵۷۴	۰/۰۵۴۴	----
اعتماد اجتماعی	TRUST	-۴/۱۲۵	-۵/۷۱۶	۰/۰۰۰۰	۲/۴۵۳
کیفیت اطلاعات حسابداری	ACCIQ	-۹/۹۲۵	-۶/۶۰۲	۰/۰۰۰۰	۲/۱۹۵
ریسک اطلاعات حسابداری	AUDIR	۵/۲۶۵	۴/۴۴۷	۰/۰۰۰۰	۲/۲۲۳
تعامل اعتماد اجتماعی و کیفیت اطلاعات حسابداری	TRUST*ACCIQ	-۵/۶۶۶	-۰/۹۵۲	۰/۱۰۲۶	۲/۲۶۵
تعامل اعتماد اجتماعی و ریسک اطلاعات حسابداری	TRUST*AUDIR	۱۰/۲۵۲	۰/۱۱۲	۰/۱۶۹۲	۲/۵۵۰
جریان‌های نقدی	CFO	۵/۳۵۸	۱/۲۵۲	۰/۲۱۴۱	۲/۲۵۱
اندازه بانک	SIZE	۱۰/۲۵۸	۱/۲۱۶	۰/۱۱۲۵	۲/۳۵۹
اهرم مالی	LEV	۶/۲۱۵	۲/۵۵۵	۰/۰۰۰۰	۲/۶۶۹
سودآوری	PROF	۵/۲۵۲	۴/۳۹۵	۰/۰۰۰۰	۲/۱۴۵
ضریب تعیین مک فادن	LR آماره	۴۶/۷۴۵	LR آماره	احتمال آماره LR	۰/۰۰۰۰
					۰/۱۲۳

براساس مندرجات جدول ۸، کیفیت اطلاعات حسابداری تعدیل‌کننده ارتباط اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام نیست؛ زیرا علامت ضریب رگرسیونی آن منفی (-۵/۶۶۶) و احتمال آماره Z مربوط

به آن (۰/۱۰۲۶) بیشتر از سطح خطای ۵٪ است. لذا فرضیه چهارم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌گردد. همچنین، ریسک اطلاعات حسابداری تعدیل‌کننده ارتباط اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام نیست؛ زیرا علامت ضریب رگرسیونی آن مثبت (۱۰/۲۵۲) و احتمال آماره z مربوط به آن (۰/۱۶۹۲) بیشتر از سطح خطای ۵٪ است. لذا فرضیه پنجم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌گردد. براساس مقدار ضریب تعیین مک فادن، حدود ۱۲٪ تغییرات متغیر وابسته ضمن توجه به تأثیر سایر متغیرها، توسط تغییرات متغیر مستقل توضیح داده می‌شود. به منظور بررسی معنادار بودن مدل از آزمون LR استفاده شده است که چون مقدار احتمال آماره آزمون مذکور (۰/۰۰۰۰) کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، معنادار بودن مدل رگرسیونی برازش شده تأیید می‌گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این پژوهش تلاش بر این بود که اثر کیفیت اطلاعات حسابداری و ریسک حسابداری بر رابطه میان اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام بانک‌ها مورد آزمون و بررسی قرار گیرد. در این مسیر و پس از آزمون فرضیه‌ها، نتایج فرضیه اول بیان داشت که بین افشای اطلاعات اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام رابطه منفی و معناداری برقرار است که این مطالب تبیین‌کننده تأیید فرضیه اول بود. براین اساس می‌توان بیان داشت که افشای اطلاعات اعتماد اجتماعی توانسته است به صورت محسوسی، زمینه‌های کاهش خطر سقوط قیمت سهام را فراهم آورد. در آزمون فرضیه دوم این نتیجه حاصل شد که بین کیفیت اطلاعات حسابداری و خطر سقوط قیمت سهام، یک رابطه منفی و معنادار برقرار است. بدین معنا که اگر صورت‌های مالی بانک‌ها با کیفیت اطلاعات بالا تدوین شوند، خطر سقوط قیمت سهام به صورت چشمگیری کاهش پیدا می‌کند. در آزمون فرضیه سوم تبیین شد که بین ریسک حسابداری و خطر سقوط قیمت سهام، یک رابطه مثبت و معنادار برقرار است که این امر تبیین‌کننده این مطلب است که هرچه قدر ریسک حسابداری بالاتر باشد، امکان خطر سقوط قیمت سهام هم بیشتر است. در مسیر آزمون فرضیه‌های چهارم و پنجم، این نتیجه حاصل شد که کیفیت اطلاعات حسابداری و ریسک حسابداری نتوانسته‌اند در رابطه بین اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام تأثیرگذار باشند. نتایج پژوهش فعلی از لحاظ احراز رابطه معنادار میان افشای اطلاعات اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام، با یافته‌های جعفری پور (۱۳۹۷)، رضایی‌پیتته‌نویی و همکاران (۱۳۹۶) و کیم و لی (۲۰۱۴) در انطباق است.

پیشنهادها

براساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان به مدیران بانک‌های تجاری پیشنهاد نمود که از طریق افشای اطلاعات اعتماد اجتماعی، زمینه‌های کاهش خطر سقوط قیمت سهام را فراهم آورند. همچنین، سرمایه‌گذاران می‌توانند از طریق رتبه‌بندی بانک‌های هدف، براساس افشای اطلاعات اعتماد اجتماعی در بانک‌هایی سرمایه‌گذاری نمایند که از نظر افشای اطلاعات اعتماد اجتماعی در سطح بالایی باشند؛ زیرا به تبع این امر، در این‌گونه شرکت‌ها، احتمال ریزش قیمت سهام در سطح پایین‌تری است. همچنین، مراجع استانداردگذاری می‌توانند از طریق تدوین دستورالعمل‌های لازم در جهت الزام بانک‌ها به افشای اجباری اطلاعات اعتماد اجتماعی، زمینه‌های کاهش خطر سقوط قیمت سهام را بسترسازی نمایند. در ادامه و در راستای روشن شدن اهمیت بیشتر موضوع پژوهش حاضر، موضوعات زیر به محققین آتی پیشنهاد می‌گردد:

- بررسی نقش کیفیت اطلاعات حسابداری و ریسک حسابرسی در تعدیل ارتباط میان اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام در صنایع مختلف؛
- بررسی نقش کیفیت اطلاعات حسابداری و ریسک حسابرسی در تعدیل ارتباط میان اعتماد اجتماعی و خطر سقوط قیمت سهام در مراحل مختلف چرخه حیات بانک‌ها.

محدودیت‌ها

نبود دستورالعمل لازم‌الاجرا در جهت سنجش صحیح افشای اطلاعات اعتماد اجتماعی، مهمترین محدودیت‌های پژوهش حاضر بود.

منابع و مأخذ

الف. فارسی

- احمدی‌قارنایی، حکیم (۱۳۹۳). بررسی میزان اعتماد اجتماعی در روابط شخصی و عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با آن، مورد مطالعه ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر یاسوج. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه یاسوج - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- بابایی زکلیکی، محمدعلی و احمدوند، ژیلا (۱۳۸۷). بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. *تحقیقات مالی*، ۱۰(۲۶)، ۴۵، ۴۷.

پژوهی، سحر؛ ناظمی، امین و نمازی، نویدرضا (۱۴۰۱). تأثیر ریسک بر قیمت سهام بانک‌ها و شرکت‌های بیمه با توجه به نقش سازوکارهای راهبری شرکتی. *تصمیم‌گیری و قضاوت در حسابداری*. ۱(۲)، ۵۸-۲۷.

جعفری‌پور، محمدرضا (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران.

خسروآبادی، طاهره و بنی‌مهد، بهمن (۱۳۹۴). پیش‌بینی بی‌اخلاقی و فساد مالی با توجه به اعتماد اجتماعی در حرفه حسابداری. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۰(۳)، ۵۳-۴۵.

رضائی پیتنه‌نوئی، یاسر؛ صفریگرایی، مهدی و نوروزی، محمد (۱۳۹۶). اعتماد اجتماعی، نظارت خارجی و ریسک سقوط قیمت سهام: آزمون نظریه جایگزینی و مکمل. *بررسی‌های حسابداری و حسابداری*، ۳(۳)، ۴۹-۳۷.

رضوی عراقی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۳). تأثیر ضعف‌های عمده کنترل‌های داخلی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام. *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده اقتصاد و حسابداری.

زنجیری، شکوفه (۱۳۹۶). سود سهام پرداختی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد رشته حسابداری*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان، دانشکده علوم انسانی.

فخاری، فاطمه‌سادات (۱۳۹۳). بررسی معیارهای سنجش اجتناب مالیاتی و رابطه آن با ریسک سقوط آتی قیمت سهام. *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد*، دانشکده علوم اقتصادی.

قاسمی، علی و نامدار، ندا (۱۳۹۴). تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره بر کیفیت گزارشگری مالی در شرایط وجود و نبود عدم تقارن اطلاعاتی. *سومین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت و حسابداری*. تهران، مرکز همایش‌های بین‌المللی.

گراوندنیا، یحیی (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت در دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه تهران. *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد*، دانشگاه علامه طباطبائی.

مختاری، معصومه (۱۳۹۹). بررسی تأثیر استراتژی اعتبار تجاری شرکت و بیش ارزشیابی حقوق صاحبان سهام بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهریار، گروه مدیریت و حسابداری.

ب. انگلیسی

Allen, F., & Gale, D. (2004). Competition and Financial Stability. *Money, Credit, Banking*, 36 (3), 453–480.

Allen, F., & Gale, D. (2000). *Comparing Financial Systems*. MIT Press, Cambridge, MA.

Andrieș, A. M., Căpraru, M., & Nistor, S. (2018). Corporate Governance and Efficiency in Banking: Evidence from Emerging Economies. *Applied Economics*, 34(1), 246-281.

Barth, J., Caprio, G., & Levine, R. (2006). *Rethinking Bank Regulation: Till Angels Govern*. Cambridge: Cambridge University Press.

Barth, J., Caprio, & G., Levine, R. (2008). *Bank Regulation and Supervision Database* (Updated June 2008). World Bank.

Beck, T. (2008). Bank Competition and Financial Stability: Friends or Foes?. *World Bank policy research working paper*, (4656).

Beck, T., Demirguc-Kunt, A., & Levine, R. (2006). Bank Concentration, Competition, and Crises: First Results. *Banking Finance*, 30 (5), 1581–1603.

Beck, T., Demirguc-Kunt, A., & Levine, R. (2010). Financial Institutions and Markets Across Countries and Over Time: the Updated Financial Development and Structure Database. *The World Bank Economic Review*, 24, 77–92.

Beck, T., Levine, R., & Levkov, A., (2010). Big Bad Banks? The Winners and Losers from Bank Deregulation in the United States. *Journal of Finance*, 65(5), 1637–1667.

Berger, A.N., Klapper, L.F., & Turk Ariss, R. (2009). Bank Competition and Financial Stability. *Journal o. Financial Services Research*, 35(2), 99–118.

Boyd, J.H., & De Nicolo, G. (2005). The Theory of Bank Risk Taking and Competition Revisited. *Journal of Finance*, 60 (3), 1329–1343.

Boyd, J.H., De Nicolo, G., & Jalal, A.M. (2006). Bank Risk-taking and Competition Revisited: New Theory and New Evidence. *The Journal of Finance*, 60(3), 1329-1343.

Boyd, J.H., & Runkle, D.E. (1993). Size and Performance of Banking Firms— testing the Predictions of Theory. *Monetary Economic*. 31(1), 47–67.

Brown, C.O., Dinc, S.I. (2011). Too Many to Fail? Evidence of Regulatory Forbearance When the Banking Sector is Weak *The Review of Financial Studies*, 24(4), 1378–1405.

Carletti, E. (2008). *Competition and Regulation in Banking*. San Diego: Handbook of Financial Intermediation and Banking. Elsevier, 449–482.

- Carletti, E., Vives, X. (2009). Regulation and Competition Policy in the Banking Sector in Competition Policy in the EU, *Competition Policy in the EU: Fifty Years on from the Treaty of Rome* (Oxford, 2009; online edn, Oxford Academic), 260–284.
- Callen, J. L., & Fang, X. (2011). Institutional Investors and Crash Risk: Monitoring or Expropriation?. *Journal of Financial Economics*, 61, 345-381.
- Cao, C., Xia, C., & Chan, K.C. (2016). Social Trust and Stock Price Crash Risk: Evidence from China. *International Review of Economics and Finance*, 46, 148-165.
- Chen, J., Hong, H., & Stein, J. (2001). Forecasting Crashes: Trading Volume, Past Returns, and Conditional Skewness in Stock Prices. *Journal of Financial Economics*, 61(3),345-381.
- Dechow, P., & Dichev, I. (2002). The Quality of Accruals and Earnings: The Role of Accrual Estimation Errors. *The Accounting Review*, 77 (4), 35–59.
- Donadelli, M., Fasan, M., & Magnanelli, B.S. (2014). The Agency Problem, Financial Performance and Corruption: Country, Industry and Firm Level Perspectives. *European Management Review*, 11, 259–272.
- Francis, J., LaFond, R., Olsson, P., & Schipper, K. (2005). The Market Pricing of Accruals Quality. *Journal of Accounting and Economics*, 39(2), 295-327.
- Gambetta, D. (1988). Can We Trust?. *Blackwell*, 213–237.
- Guisoet, L., Sapienza, P., & Zingales, L. (2014). The Role of Social Capital in Financial Development. *American Economic Review*, 94(3), 526–556.
- Harper, J., Grace, J., & Li, S. (2020). Stock Price Crash Risk and CEO Power: Firm-level Analysis. *Research in International Business and Finance*, 51(4), 101094.
- Hutton, A.P., Marcus, A. J., & Tehranian, H. (2009). Opaque Financial Reports, R2, and Crash Risk. *Journal of Financial Economics*, 94(1), 67-86.
- Kim, T. (2018). Linking Governance Quality and Derivatives Use: Insights from Firms' Hedging Behavior. *Journal of Economics and Development*, 20(1), 5-31.
- Kim, J., Le, L., & Hong, X. (2016). Dividend Payments and Stock Price Crash Risk. *SSRN Electronic Journal*, DOI: 10.2139/ssrn.2745395.
- Kim, Y., & Li, H. (2014). Corporate Social Responsibility and Stock Price Crash Risk. *Journal of Banking and Finance, Forthcoming*. 43(2), 1-13.
- Krapl, A.A. (2015). Corporate International Diversification and Risk. *International Review of Financial Analysis*. 37(1), 1–13.
- Lievenbruck, M., Schmid, T. (2014). Why do Firms (not) Hedge? Novel Evidence on Cultural Influence. *Journal of Corporate Finance*, 25, 92–106.

Nguyen, Q.T.K., & Rugman, A.M. (2015). Internal eEquity Financing and the Performance of Multinational Subsidiaries in Emerging Economies. *Journal of International Business Studies*, 46(4), 468–490.

Petrou, A.P. (2015). Arbitrariness of Corruption and Foreign Affiliate Performance: a Resource Dependence Perspective. *Journal of World Business*, 50(4), 826–837.

Wei, S, X., & Zhang, C. (2006). Why did Individual Stocks Become more Volatile?. *Journal of Business*, 79(1), 259–292.

Wu, W.F., Firth, M., & Rui, O.M. (2014). Trust and the Provision of Trade Credit. *Journal of Bank ing Finance*, 39(1), 146–169.

Zhang, C. (2010). A Re-examination of the Causes of Time-Varying Stock Return Volatilities. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 45(3), 663–684.

Zhang, X., Li, F., & Ortiz, J. (2021). Internal Risk Governance and External Capital Regulation Affecting Bank Risk-taking and Performance: Evidence from PR China. *International Review of Economics & Finance*, 74(C), 276-292.

Zhu, N., Wu, Y., Wang, B., & Yu, Z. (2019). Risk Preference and Efficiency in Chinese Banking. *China Economic Review*, 53(1), 324–34.